**کلک نقد کتاب: آفرین فردوسی**

**آموزگار، ژاله**

\*

کلک نقد کتاب‏ آفرین فردوسی

ژاله آموزگار

آفرین فردوسی

دکتر محمد جعفر محجوب

انتشارات مروارید

چاپ اول 1371

398 صفحه-4100 ریال

جوانان ما تا چه اندازه با فردوسی و شاهکارش آشنا هستند و از داستانهای شاهنامه چه‏ می‏دانند؟

متأسفم که در پاسخ این پرسش باید بگویم بسیار کم با آن آشنایند و بسیار کم می‏دانند. چون بارها پیش آمده است که در کلاسهایم وقتی در مبحثی از اسطوره‏ها،به عنوان شاهد مثال،یا برای تطبیق و تقابل بن مایه‏ها،گریزی گذار به داستانی یا قهرمانی از شاهنامه زده‏ام.با این تصور که شرح بیشتر توضیح واضحات است.سایهء دور«نمی‏دانم»را در چشمان دوستان جوانم دیده‏ام.

ولی آیا تنها دوستان جوان ما هستند که با این داستانها بیگانه‏اند؟

در گامی فراتر از کلاسهای دانشگاه،کتابخوان‏های ما تا چه اندازه از داستانهای شاهنامه و از صحنه‏های کم‏نظیری که این اثر را به شاهکار تبدیل کرده است شناخت دارند و اگر چند داستان‏ معروفی را که در کتابهای درسی با آنها آشنا شده‏اند کنار بگذاریم آیا از دیگر روایتهای شاهنامه‏ جز نامی در اندیشه‏ها نیست؟

از نبرد تن به تن یازده یا دوازده رخ چه می‏دانند؟

با رستم خان(خوان)ها را گام به گام پیموده‏اند؟

در داستان رستم و اسفندیار،در رویارویایی این دو پهلوان،آنجا که«تراژدی»به معنی‏ واقعی جان می‏گیرد و خواننده نمی‏داند به کدام قهرمان داستان حق دهد و سرانجام هم بر اسفندیار و هم بر رستم اشک می‏ریزد،هنر استادانهء فردوسی را لمس کرده‏اند؟

هرگز به این موضوع اندیشیده‏اند که چگونه اسکندری که دروازهء تخت جمشید را بر سپاهیان خود گشود،در صفحات شاهنامه به برادری دارای داریان درمی‏آید و دخترزادهء فیلقوس‏ رومی می‏شود که مادر باردارش از شبستان داراب رانده شده و اسکندر را در روم به دنیا آورده‏ است؟در شاهنامه اسکندر بیگانه‏ای نیست که بر خاک این سرزمین پای سردارانه بگذارد.

زالی بوده است و رودابه‏ای،ولی آیا صحنه دلنشین دلدادگی نرم و لطیف این بانوی آزاده را با پهلوان‏زاده‏ای سفید موی به داوری زیبائیها کشانده‏اند؟

سخنی از کاووس بوده است و از خودکامگی فرمانروایان.ولی آیا رزه کاریهای واژه به واژه‏ حساب شدهء داستان را در نظر آورده‏اند؟آنجا که هوس پرواز،او را بر بال عقابها به آسمان‏ می‏کشاند و غرور سر برافراشته او سرنگونش می‏کند.داستان زیبایی که ذهن خلاقهء خداینامه‏نویسان و استادی و چیره‏دستی فردوسی،به کاووس متن‏های باستانی،چنین شخصیتی‏ داده است.کاووس در متنهای پهلوی،در آغاز فرمانروایی است که غم مردم خود را دارد،بر هفت‏ کشور فرمانروایی می‏کند و جزء جاودانان است با هفت خانه در میانهء البرز،این هفت خانهء معجزه‏آمیزی که یکی از زر است و دو از سیم و دو از پولاد و دو از آبگینه و هر پیر از کار افتاده‏ای اگر از دری به درون آن رود از در دیگر جوان و پرزور بیرون می‏آید.ولی این کاووس را غرور فرامی‏گیرد،گرفتار فریب دیوان می‏شود و هوس پرواز به قلمرو امشاسپندان و دنیای روشنی فرّه‏ را از و می‏ستاند جاودانگی را از او می‏گیرد.

و اگر اتفاق نظر بر این است که برای فردوسی ایران زمین همه چیز است،آیا شاهد مثال این‏ کلام را در میان بیت‏ها جسته‏اند؟

کتاب آفرین فردوسی راهی به این سرزمین زیبا باز می‏کند و پیوندی صمیمانه میان بخشی‏ از شاهکارهای پیر توس و جوانان سرزمین ما برقرار می‏کند،چون به نظر من این کتاب که‏ مجموعه‏ای از 35 مقاله است بیشتر نسل جوان را مد نظر داشته است.

در ضمن این مقاله‏ها داستانهایی از زال و رودابه،سیمرغ،شگفتی‏های گیتی،رخش، هفت‏خان،بیژون و منیژه،گشتاسب و کتایون،یازده رخ،افراسیاب،کیخسرو،اسفندیار،دیو سفید و دیو سیاه،اسکندر و دارا،بزرگمهر،بهرام در هند،پدید آمدن شطرنج،حشمت پرویز و عشق‏ شیرین...نقل می‏شود و مباحثی دیگر در مورد زبان و اختر کاویان و...به آن افزوده می‏گردد.

قلم نویسنده،استادانه،روان و شیرین می‏لغزد و مطالب در خور فهم همگان عرضه‏ می‏شود.در آغاز هر بخش،همچون درآمدی بر داستان،در کلیات مطالب بحث می‏گردد و سپس‏ داستان آغاز می‏گردد.مهارت نویسندهء دانشمند این نوشته‏ها این بوده است که در داستانهای‏ نقل شده هنر فردوسی را نمایان‏تر کند،صحنه‏های زیبا را برجسته‏تر جلوه دهد و بر شیرینی داستانها بیفزاید و در میان نثر،جای جای از شعر یاری گیرد و بارقه‏ای از فرهنگ غنی و پربار ایران زمین را در هر صفحه آن آشکار سازد.

به مباحثی نیز در حاشیه مطالب برخورد می‏کنیم.مقاله‏ای در آغاز دربارهء زبان دری است که‏ موضوع به زبانهای کهن ایرانی کشیده شده است.مواردی از مقاله به بحث و تعمق بیشتری‏ نیازمند است مثلا جایی که از زبان پهلوی و شاخه‏های آن سخن به میان می‏آید و یا جایی که به‏ پازند(ص 19)اشاره می‏شود.پازند نوشته‏های پهلوی به فارسی نیست.پازند در آغاز برگردان‏ خطی متنهای پهلوی بوده است به الفبای اوستایی و سابقهء آن به قرن یازده و دوازده میلادی‏ برمی‏گردد و بنیانگذار پازندنگاری شخصی به نام نریوسنگ بوده است.بعدها در دوره متأخرتر دعاهای زردشتی را هم با الفبای نگاشته‏اند.

در مواردی،تطبیق عناصر داستان‏سرایی در داستانهای ایرانی و سامی صورت گرفته است‏ که مبحثی درخور توجه می‏باشد مانند پرواز کاووس و پرواز نمرود،یا موسی و داراب.در مورد اخیر اشتقاقی از قصص الانبیاء در مورد نام موسی نقل شده از«مو»و«سی»و همانندی آن به‏ داراب و«دار»و«آب»کشانده شده است که مطلبی نادرست است و از مقولهء اشتقاقهای عامیانه، چون داراب صورت تحول یافته‏ای از«داری‏واوم»1در فارسی باستان است که این واژه سپس به‏ صورت«داریاو»درآمده و تحول بعدی«و»به«ب»هیچ‏گونه ارتباطی با آب ندارد.

در مبحث تمثیل صوفیان و عرصهء سیمرغ در جهان عرفانی(ص 99)که بحثی است‏ جداگانه از سیمرغ.عنقا،سی‏مرغ(ص 89)،نویسنده مباحث قیاس،استقراء و تمثیل را با بیانی‏ ساده و روان و درخور فهم همگان بیان می‏کند و با شواهدی از عطار بر لطف کلام می‏افزاید. همچنین مطالبی که در بخش«شاهنامه شناسنامهء ملی ایرانیان)(ص 51)مورد بحث قرار گرفته و یا آنچه دربارهء پرچم(ص 32)ذکر شده درخور توجه و تحسین است.

در برخی از بخشها تکرار مطالب دیده می‏شود،شاید به دلیل اینکه این مقاله در جاهای‏ مختلف چاپ شده بوده و سپس در مجموعه‏ای گرد آمده است.

در مواردی شاید جالبتر می‏شد اگر شخصیتهایی از شاهنامه با صورتی که در متن‏های‏ پهلوی دارند سنجیده می‏شد تا چرخش قهرمانان به دلیل مسائل اجتماعی،تاریخی و سیاسی‏ بیشتر به چشم می‏آمد.

باشد که این کوشش قابل تحسین دکتر محجوب در این مجموعه و کوششهای بعدی که‏ قول آن در این کتاب داده شده است شاهکارهای بزرگان ادب ما را به محفل جوانان بکشاند و بر ارتباط نو با کهن بیفزاید و نسل جوان ما را به آنچه ستون‏های جاودانهء فرهنگ غنی ایران زمین‏ است بیشتر آشنا کند.

@ (1)- Daūrayavaum.